

# فارسی

## زبان شناسی و آموزش زبان

مجموعہ حالات برتر  
سومین ہمایش ملی زبان شناسی و آموزش زبان فارسی

به کوشش:

سید محمد حسینی معصوم - شہلا شریفی



# فارسی

## زبان شناسی و آموزش زبان

مجموعه مقالات برتر سومین همایش ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی ( سومین : ۱۳۹۴ : مشهد)  
مجموعه مقالات برتر سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی/به کوشش  
سیدمحمد حسینی‌مصوم ، شهلا شریفی : (یرای) انجمن زبان‌شناسی ایران.

تهران : نشر نویسه پارسی، ۱۳۹۴.

ص. ۲۵۹

۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰-۲۴ -- ۲۵۰۰۰۰ ریال

فیبیا

فارسی --- کنگره‌ها

زبان‌شناسی --- کنگره‌ها

حسینی‌مصوم، سیدمحمد، ۱۳۵۲ - ، گردآورنده

شریفی، شهلا، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده

انجمن زبان‌شناسی ایران.

PIR۲۱۱۲/۸۸ ۱۳۹۴

۴۱۸۰/۶

۴۱۴۵۲۳۳

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



# فارسی

## زبان شناسی و آموزش زبان

مجموعه مقالات برتر سومین همایش ملی

---

به کوشش

دکتر سید محمد حسینی معصوم / دکتر شهلا شریفی

---



تهران، صندوق پستی ۱۶۷۶۵-۱۳۷۹  
 تلفن: ۷۷۰۵۳۲۴۶  
 شماره: ۷۷۰۵۳۲۴۶  
 سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲  
 وبگاه نشر نویسه پارسی:  
[www.neveeseh.com](http://www.neveeseh.com)



انجمن زبان علمی ایران

تهران، بزرگراه چمران، پل مدیریت، خیابان علامه طباطبایی جنوبی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی. طبقه اول، اتاق ۱۱۷. صندوق پستی: ۱۵۹۷۶۳۳۱۱۱  
 تلفن: ۸۸۶۹۰۰۲۲ شماره: ۸۸۶۹۰۰۲۲  
[www.lsi.ir](http://www.lsi.ir)



دارای درجه علمی - پژوهشی

نمایه شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

همه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسی» است.  
 تکثیر، انتشار و ترجمه این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی ممنوع و مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰-۲۴-۰۰

ISBN: 978-600-7030-24-0

مجموعه مقالات برتر سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی

دکتر سیدمحمد حسینی معصوم	به کوشش
دکتر شهلا شریفی	
تحریریه نشر نویسه پارسی	نسخه‌ویرا و نسخه‌پرداز
<a href="http://www.mehraabi.com">www.mehraabi.com</a> محمد محرابی	طرح جلد و یونیفورم
<a href="http://www.mehraabi.com">www.mehraabi.com</a> محمد محرابی	صفحه‌آرایی و آماده‌سازی چاپ
روز	چاپ و صحافی
۳۰۰ نسخه	شمارگان
اول، ۱۳۹۴	نوبت چاپ
۲۵۰۰۰ تومان	قیمت

# مجموعه مقالات برتر سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی

## برگزارکنندگان

دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه پیام نور مشهد و فرهنگیان خراسان رضوی

## با همکاری

استانداری خراسان رضوی

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد

بنیاد سعدی

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی - مرکز پژوهش‌های اسلامی و انسانی

انجمن زبان‌شناسی ایران

مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری

نشر نویسه پارسی

## دبیران علمی همایش

دکتر سیدمحمد حسینی معصوم    دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور  
دکتر شهلا شریفی    دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

## دبیران اجرایی همایش

دکتر علی ایزانلو    استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

## کمیته راهبردی

دکتر سیدمحمد حسینی معصوم    دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور  
دکتر شهلا شریفی    دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد  
دکتر علی ایزانلو    استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد  
دکتر اعظم استاجی    دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد  
دکتر محمود الیاسی    استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد  
دکتر عطیه کامیابی گل    استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد  
دکتر علی علیزاده    دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

## کمیته علمی و داوران

استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی	دکتر محمد دبیرمقدم
استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی	دکتر کورش صفوی
استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	دکتر سیدمصطفی عاصی
استادیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر عطیه کامیابی گل
استادیار زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور	دکتر محمود رمضان‌زاده
استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر مطلب آذری
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر احسان قبول
استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر منوچهر جعفری گهر
استادیار زبان‌شناسی رایانه‌ای، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام	دکتر محمدرضا فلاحتی
استادیار زبان‌شناسی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام	دکتر محمدهادی فلاحی
استادیار زبان و ادبیات فارسی پردیس شهید بهشتی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی	دکتر مهدی ستودیان
استادیار زبان و ادبیات فارسی پردیس شهید بهشتی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی	دکتر حسن نصیری جامی
استادیار زبان‌شناسی رایانشی، دانشگاه صنعتی شریف	دکتر پروانه خسروی‌زاده
استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه صنعتی شریف	دکتر مریم سیدان
استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه صنعتی شریف	دکتر سعید رضایی
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی	دکتر شراره‌السادات سرسرابی

صفحه	عنوان
۱۳	پیشگفتار
۱۵	فرایند کوتاه‌سازی در زبان فارسی بر اساس پیش‌نمونه‌های شناختی بهر روز محمودی بختیاری - فائقه شاه‌حسینی
۴۷	بررسی جایگاه هسته در فرافکن‌های نقشی جمله در فارسی بر پایه نظریه فازها (چامسکی ۲۰۰۱) مژگان همایون‌فر
۷۱	باهم‌آیی پیش‌فعل و همکرد در فعل مرکب فارسی از دیدگاه نظریه واژگان زایشی زهرا روحی بایگی
۹۵	رده‌شناسی واحدهای چندواژه‌ای در زبان فارسی سعید رفیعی خضری
۱۱۷	بررسی کاربرد آزمون تطبیق صدا در مطالعه نگرش‌زبان در حوزه جامعه‌شناسی زبان ماندانا پیروزفر - محمود الیاسی - علی ایزانلو
۱۳۹	ساخت‌های همراهی در زبان فارسی: تحلیلی معنا-بنیاد هنگامه واعظی
۱۶۵	همگونی آکوستیکی در فرایند واجی ناهمگونی در فارسی محاوره عاطفه‌السادات میرسعیدی - زهرا قانع
۱۸۷	تفاوت آسیب‌پذیری ساخت نحوی در بیماران زبان‌پریش روان و ناروان مریم دانش - رضا نیلی‌پور - محمدهادی فلاحی



- 
- ۲۱۳ رویکردی شناختی به چندمعنایی: مطالعه‌ی موردی فعل حرکتی  
"کشیدن"  
رضا سلطانی - محمد عموزاده
- ۲۳۹ بهینه‌سازی روش پیکان کوتاه در نقشه گویش شناختی پرتوی کرانه  
جنوب‌خاوری دریای خزر  
سیف‌اله ملاپاشایی

## پیشگفتار

سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی با استعانت از الطاف الهی در تاریخ یازدهم و دوازدهم اسفندماه سال ۱۳۹۴ خورشیدی به همت دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه پیام نور و دانشگاه فرهنگیان با این اندیشه برگزار شد که گردهمایی صاحب‌نظران و پژوهشگران این رشته بتواند افق‌های پیش رو در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی در کشور را روشن کند. یادآور می‌شود که همایش‌های اول و دوم به ترتیب در دانشگاه فردوسی و دانشگاه علوم و تحقیقات فارس در شیراز برگزار شده بود. دست‌اندرکاران همایش سوم بر این باور بوده و هستند که چنین گردهمایی‌ها و هم‌اندیشی‌هایی می‌توانند علاوه بر فراهم کردن امکان آشنایی دانشجویان و پژوهشگران زبان‌شناسی با استادان بزرگ و پیشکسوتان زبان‌شناسی ایران، زمینه باروری اندیشه‌ها، خلق ایده‌های تازه و همکاری‌های علمی را بوجود آورند. استقبال بی‌نظیر استادان، دانشجویان و علاقمندان حوزه زبان‌شناسی از همایش سوم مایه دلگرمی و خرسندی همه کسانی شد که بیش از یک سال تمام برای برپایی همایش به گونه‌ای که در شأن میهمانان گرانقدر باشد، تلاش کرده بودند. در این‌جا از همدلی‌ها و همراهی‌های همه شرکت‌کنندگان و میهمانان گرامی تشکر می‌کنم.

کتابی که در پیش روست، مجموعه مقالات برتر همایش سوم است که شامل ۱۰ مقاله از حوزه‌های مختلف همچون حوزه آواشناسی، نحو، معناشناسی و تحلیل گفتمان می‌باشد. این ۱۰ مقاله از میان دویست مقاله کامل که به دفتر همایش رسیده بود، با نظر کمیته علمی همایش انتخاب شده‌اند. قابل ذکر است که دویست مقاله منتخب، خود حاصل گزینش هیئت داوران از میان ۹۰۰ چکیده مقاله بودند و بنابراین مقالات این مجموعه از چندین صافی و مرحله گزینشی عبور کرده‌اند. امیدواریم که این مجموعه که یکی از ثمرات همایش است، درخور توجه و اعتنای

صاحب‌نظران و پژوهشگران باشد و در کنار دیگر ثمرات همایش به باور و آرزوی دست‌اندرکاران آن رنگ واقعیت ببخشد.

در پایان، لازم است از تمامی نهادها، مؤسسات و افرادی که به نوعی ما را در رسیدن به این هدف و برگزاری مناسب سومین همایش زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی مساعدت کردند و یا با مشاوره‌ها و راهنمایی‌های ارزشمندشان به بهبود کار و برگزاری بهتر همایش کمک کردند، بویژه اعضای کمیته علمی همایش، دانشجویان گرامی از هر سه دانشگاه فردوسی، پیام نور و فرهنگیان بالاخص تلاش‌های شبانه‌روزی همکار ارجمندم جناب آقای دکتر سید محمدحسینی معصوم تشکر و قدردانی کنم.

شهلا شریفی

بهمن ۱۳۹۴

## ساخت های همراهی<sup>۱</sup> در زبان فارسی: تحلیلی معنا- بنیاد

### هنگامه واعظی<sup>۲</sup>

#### چکیده

مقاله حاضر به بررسی ساخت های همراهی در زبان فارسی می پردازد. ساخت- های همراهی از مجموع سه عضو شرکت کننده تشکیل می شوند که عبارتند از موقعیت همراهی، همراهی کننده<sup>۳</sup> و همراهی شونده<sup>۴</sup>. ((با)) در مطالعات پیشین دستورهای سنتی در گروه حروف اضافه معرفی شده است؛ چنین ساخت‌هایی را ((با))ی معیت نیز دانسته‌اند. بنابراین در مطالعات پیشین، ((با)) صرفاً یک حرف اضافه تلقی شده است. یکی از اهداف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که آیا در زبان فارسی ((با)) صرفاً یک حرف اضافه است؟ یا یک رابط؟ یا هر دوی آن‌ها؟ بررسی جایگاه و نقش این تکواژ دستوری در این نوع ساخت‌های فارسی هدف اصلی پژوهش حاضر است. هدف دیگری که در این بررسی مورد توجه است، چالش میان ساخت‌های عطفی<sup>۵</sup> و ساخت‌های همراهی است. فرض مقاله این است که تکواژ دستوری ((با)) در ساخت‌های همراهی در زبان فارسی در دو جایگاه و نقش دستوری متفاوت مطرح است. با استناد بر چنین فرضی، ساخت‌های همراهی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: گروه اول: همراهی متقارن/دوسویه<sup>۶</sup> هستند. در این گروه سازه [با + گروه اسمی]<sub>۲</sub> یک سازه اختیاری نیست؛ به بیان دیگر یک سازه افزوده نیست. ((با)) در این گروه نقش یک رابط یا پیوند دهنده را ایفا می‌کند. این گروه از جمله‌ها با توجه به نوع فعل به انواعی

<sup>۱</sup> Comitative constructions/ coordinates

<sup>۲</sup> استادیار زبان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، vaezi@iaurasht.ac.ir

<sup>۳</sup> Accompanion

<sup>۴</sup> Accompanee

<sup>۵</sup> Conjunction constructions/ coordinates

<sup>۶</sup> Symmetrical/Bidirectional

تقسیم می‌گردند که عبارتند از ساخت‌های همراهی متقارن با افعال جمعی<sup>۱</sup>، ترکیبی<sup>۲</sup>، محمول‌های رابطه‌ای<sup>۳</sup> و قیاس همسان<sup>۴</sup>. گروه دوم گروهی هستند که سازه [با+گروه اسمی] یک افزوده است و حرف اضافه تلقی می‌گردد. این گروه 'همراهی نامتقارن/یک سویه'<sup>۵</sup> نامیده می‌شوند که خود به انواعی تقسیم می‌گرددند که عبارتند از افعال غیر جمعی، عضو بدن، وسیله حمل و نقل و نوع ابزاری<sup>۶</sup>. زیر-طبقه ابزاری، از دو نوع 'عامل واسطه‌گری'<sup>۷</sup> و 'تسهیل‌کننده کنش'<sup>۸</sup> تشکیل می‌شود. دستاورد پژوهش حاضر را می‌توان در آموزش دستور زبان فارسی و تحلیل‌های نحوی به کار گرفت.

**کلید واژه‌ها:** ساخت همراهی، همراهی متقارن، همراهی نامتقارن، حرف اضافه، پیوند دهنده

#### ۱. مقدمه

ساخت‌های همراهی از هم‌نشینی ((با)) و دوگروه اسمی که به لحاظ جاننداری و بی‌جان‌ی می‌توانند در شرایط یکسانی باشند، ساخته می‌شوند. بررسی زبان‌شناسان از رویکردهای معنایی - کاربردی نشان داده است که این نوع ساخت‌ها قرابتی با ساخت‌های همپایه که از طریق حرف عطف ((و)) تشکیل می‌شوند، دارند. استیسن<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) پس از بررسی بر روی ۲۷۰ زبان به این نتیجه می‌رسد که زبان‌های هند و اروپایی در تولید ساخت‌های همپایه از دو راهکار استفاده می‌کنند که عبارتند از: - راهکار همپایگی AND و راهکار همپایگی WITH. بر مبنای چنین تحلیلی، رده‌های زبانی نیز به دو نوع رده زبانی AND (در این

<sup>1</sup> Collective Verbs

<sup>2</sup> Combination/mixed

<sup>3</sup> Relational Predicate

<sup>4</sup> Similar Comparison

<sup>5</sup> Asymmetrical/Unidirectional

<sup>6</sup> Instrumental

<sup>7</sup> Intermediary Agent

<sup>8</sup> Facilitating

<sup>9</sup> Stassen

نوع زبان ها دو راهکار برای همپایگی وجود دارد (and و with) - رده زبانی WITH (در این نوع زبان ها تنها یک راهکار تحت عنوان آخرین راه چاره با WITH انجام می گیرد؛ به بیان دیگر در این رده زبانی راهکار همپایگی عطفی با حرف ربط(و) وجود ندارد و همپایگی صرفاً از طریق تکواژ دستوری ((با)) صورت می گیرد. هس پل مس<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) معتقد است که در این زبان ها ساخت همراهی به نشانه عطفی تغییر یافته است و تکواژ دستوری ((با)) از حالت همراهی به عطفی تغییر مسیر داده است (همان: ۱۱).

از منظر استیسن (۲۰۰۰) همپایگی عطفی و همپایگی همراهی در یک ترازو با یک ارزش معنایی قرار دارند. همپایگی را از منظرهای نحوی و معنایی تعریف کرده اند. در دیدگاه نحوی، مشابه بودن مقوله های گروه های اسمی و سازه بودن هر یک مد نظر بوده است (چامسکی ۱۹۵۷، ۱۹۶۵ : ۲۱۲). همپایگی از جهت معنایی نیز این گونه تعبیر شده است که واحدهایی با نقش های معنایی یکسان، واحدی بزرگ تر از خود را ایجاد می کنند (هس پل مس ۲۰۰۰ : ۱). استیسن (۲۰۰۰) نیز در بحث رده شناختی خود بر این باور است که همپایگی اسمی هنگامی رخ می دهد که:

الف) گروه های اسمی به وقوع یک رویداد واحد دلالت داشته باشند.

ب) رویداد واحد از سوی دو عضو شرکت کننده بطور همزمان (با دو مصداق جداگانه) از سوی دو فرد به وقوع بپیوندد.

1- a. John and Mary are talking.

b. John is talking with Mary. (Paperno 2012: 1)

2- a. John and Mary will arrive tomorrow.

b. John will arrive with Mary tomorrow.

با استناد بر تعریفی که در بالا آمده است John و Mary هر دو مقوله یکسانی دارند (1a و 2a) و نقش های معنایی آنها نیز مشابه است. در مثال های (1b) و (2b) به لحاظ معنایی با تفاوت بسیار جزیی، John و Mary در تحقق رویداد

<sup>1</sup>Haspelmath

فعل درگیر هستند. آنچه در هر دو مشترک است این است که رویداد فعل با کنش متقابل هر دو عضو شرکت کننده امکان پذیر است. بنابراین صورت رو ساختی دیگری را می‌توان برای آن‌ها در نظر گرفت.

### 3- a. John with Mary are talking.

#### b. John with Mary will arrive tomorrow.

همانطور که مثال‌ها (۱-۳) نشان می‌دهند با هر دو نوع ساخت عطفی و ساخت همراهی روبرو هستیم. با استناد بر دیدگاه استیسن (۲۰۰۰) حرف عطفی و حرف همراهی در این نوع ساخت‌ها مشابه است و به نظر می‌رسد که در این ساخت‌ها هر دو، نقش واحدی دارند. کین (۱۹۹۴) نیز با اتکا بر دیدگاه وی، دو حرف عطفی و همراهی را در تحلیل نحوی خود در جایگاه مشابه قرار می‌دهد و آنها را در دسته گروهی به نام XP جای می‌دهد. در پژوهش حاضر بحث و تحلیل نحوی آن‌ها مد نظر نیست و در مجالی دیگر تحلیل نحوی و رده شناختی آنها ارایه خواهد شد.<sup>۱</sup>

با اتکا و تأیید فرض استیسن (۲۰۰۰) به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا در زبان فارسی نیز مانند زبان انگلیسی، تکواژ دستوری ((با)) شبیه به حرف عطفی ((و)) عمل می‌کند؟ در صورت پاسخ مثبت، در چه شرایطی و با چه افعالی امکان پذیر است؟ نگارنده بر این باور است که در زبان فارسی، شباهت میان «آ» دو مشاهده می‌شود؛ اما این شرایط به افعال خاصی محدود است. پس در زبان فارسی می‌توان دو نقش را برای تکواژ دستوری ((با)) فرض کرد که با این دو فرضیه، دو نوع ساخت همراهی تعیین می‌شوند. با توجه به دیدگاه‌های متفاوت در خصوص تکواژ دستوری ((با)) در ساخت‌های همراهی، نگارنده درصدد است تا وضعیت ساخت‌های همراهی و انواع آن‌ها را در زبان فارسی نشان دهد. اهمیت

<sup>۱</sup> پژوهش رده شناختی ساخت‌های همراهی در طرح تحقیقاتی در واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در دست اجرا می‌باشد. بررسی ساخت‌های همراهی (در زبان‌های فارسی) و گیلکی: از منظر رده شناختی.

در نگاه جدید به گروه [با+گروه اسمی]<sub>۲</sub> می‌توان در تحلیل نحوی دو نوع نمودار اریه کرد: در جایگاه افزوده و دیگری در جایگاه یک وابسته.

چنین پژوهشی این است که رفتار دوگانه ((با)) در این زبان مشخص شود. پیامد چنین پژوهشی می‌تواند علاوه بر حوزه‌های زبان‌شناسی، در آموزش زبان فارسی در همه مقاطع تحصیلی نیز تأثیرگذار باشد. این مهم می‌تواند نشان دهد که ((با)) صرفاً یک حرف اضافه نیست و می‌تواند نقش دیگری نیز داشته باشد. پاسخ به اینکه آیا در این زبان ((با)) صرفاً یک حرف اضافه است یا خیر و یا هر دو نقش را ایفا می‌کند، هدف اصلی نگارنده می‌باشد. با پژوهش حاضر می‌توان نقش‌های متفاوت و شبکه معنایی/نقشی این تکواژ را در این نوع ساخت‌ها نیز تعیین نمود. علاوه بر آن بررسی نوع ابزاری این‌گونه ساخت‌ها و تعیین انواع آن‌ها از دیگر هدف‌های پژوهش حاضر است.

بررسی شواهد و مرور مطالب گذشته نشان می‌دهد که در زبان فارسی چنین پژوهش زبان‌شناختی پیشتر صورت نگرفته است. در دستورهای سنتی و زبان‌شناختی چنین تکواژی صرفاً به صورت یک حرف اضافه مطرح بوده است. لیکن توجه زبان‌شناسان غیر ایرانی به این نوع ساخت‌ها قابل توجه است برای مثال در گویش Turku Seediq (زبان Formoson) که عمدتاً در بخش غربی تایوان صحبت می‌شود ((با)) یک حرف اضافه است. در Q'anjob'l (زبان Mayan) در گوآتمالا، در Capeverdean (زبان کریول پرتغالی-بنیاد) و در Paiwan) در بررسی زبان‌های Austronesian) هر دو نقش حرف اضافه و ربط دهنده را ایفا می‌نماید. گستردگی بحث و بسط موضوع به زبان‌های دیگر، نگارنده را بر آن داشت تا چنین ساخت‌هایی را مورد بررسی قرار دهد و انواع آن‌ها را با ارزیابی آزمون‌های متعدد تعیین کند. پژوهش حاضر با این فرض انجام می‌گیرد که در زبان فارسی نیز ((با)) هر دو نقش را دارد و انواع ساخت‌های همراهی خود زیر شاخه‌های دیگری را نیز شامل می‌شوند.

مقاله حاضر از چهار بخش تشکیل می‌شود. بخش نخست، به نقد و بررسی نمونه‌های استیسن در زبان انگلیسی می‌پردازد. بخش دوم به مطالعات و سوابق دستور نویسان و زبان‌شناسان ایرانی در زمینه ساخت‌های همراهی و همپایه عطفی



اختصاص دارد. در این بخش دیدگاه لازار در خصوص پیونده بودن ((با)) در زبان فارسی مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش سوم به تحلیل داده‌ها اختصاص دارد؛ این بخش خود به دو بخش فرعی تقسیم می‌شود. بخش تحلیل داده‌ها، به آزمون‌های متعددی اختصاص دارد که ساخت‌های همراهی را در ترازوی ارزیابی قرار می‌دهد. با سنجش ساخت‌ها در این بخش می‌توان انواع ساخت‌های همراهی را طبقه‌بندی نمود؛ علاوه بر آن تفاوت و شباهت‌های این دو ساخت همراهی و همپایه عطفی نیز تعیین می‌گردد. بنابراین با تعیین ویژگی‌های ساخت‌های همراهی، انواع آن‌ها با زیر-طبقه‌هایشان در زبان فارسی معرفی خواهند شد. در بخش چهارم، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی با نموداری نمایش داده می‌شود.

## ۲. تطبیق نمونه‌های استیسن (۲۰۰۰) در زبان انگلیسی و فارسی

همانطور که پیشتر گفته شد، استیسن دو راهکار همپایگی را برای زبان‌هایی مانند انگلیسی و تمامی زبان‌های هند و اروپایی فرض می‌کند که طبق آن تکواژ دستوری ((با)) و ((و)) همانند هستند و در یک نقش عمل می‌کنند. به ترجمه نمونه‌های وی به زبان فارسی توجه کنید:

۴- الف- جان و مری دارند صحبت می‌کنند.

ب- جان دارد با مری صحبت می‌کند (پاپرنو ۲۰۱۲: ۱)

پ- جان با مری دارد صحبت می‌کند.

۵- الف- جان و مری فردا خواهند رسید (می‌رسند).

ب- جان فردا با مری می‌رسد.

پ- جان با مری فردا می‌رسد.

فعل‌های به کار رفته در نمونه‌های بالا (۴-۵) صحبت کردن و رسیدن مورد بحث قرار می‌گیرد تا بدانیم با توجه به تعریف ارایه شده از ساخت‌های همراهی در بخش مقدمه) - گروه‌های اسمی به وقوع یک رویداد واحد دلالت داشته باشند.

- رویداد واحد از سوی دو عضو شرکت کننده بطور همزمان (با دو مصداق جداگانه) از سوی دو فرد به وقوع پیوندد، این نمونه ها (همپایگی عطفی و همراهی) همانند هم عمل می کنند.

در جمله (۴ الف) این امکان وجود دارد که جان با کسی به غیر از مری صحبت می کند و مری نیز همینطور. در جمله (۵ الف) همپایگی عطفی، رویداد واحد رخ می دهد اما همزمانی آن الزامی نیست، ممکن است جان در ساعت ۱۲ و مری در ساعت ۵ به مکان مورد نظر برسند. از این رو چنین مثال ها و نمونه هایی با تعریف استیسن همخوانی ندارد.

در جمله های (۴ب و ۵ب) وقوع رویداد بطور همزمان مشاهده می شود. بنابراین ساخت های همراهی با فعل هایی مانند صحبت کردن و رسیدن در همپایه های عطفی (۴الف و ۵الف) و همراهی (۴ب و ۵ب) به لحاظ معنایی و ساخت موضوعی متفاوت عمل می کند. علاوه بر آن در چنین تحلیلی سازه [با+گروه اسمی<sub>۲</sub>] و انواع آن مورد توجه نبوده است. در این دو نمونه این سازه اختیاری است و در صورت حذف آن جمله دستوری باقی می ماند. تفاوت دیگری که میان زبان انگلیسی و فارسی مشاهده می شود مطابقت در این جمله ها است. مطابقت دستوری (مفرد یا جمع بودن) در آنها نیز متفاوت است. بنابراین با توجه به بحث بالا، برخلاف تحلیل استیسن (۲۰۰۰) در این نمونه ها نمی توان در زبان فارسی همپایگی همراهی را مشاهده کرد. فرضیه نگارنده این است که ماهیت معنایی فعل و نوع آن، نقش بسزایی در این تحلیل دارند. در پاسخ به این پرسش که آیا ((با)) در چنین ساخت هایی می تواند نقش رابط یا پیوند دهنده را داشته باشد؟ می توان پاسخ مثبت داد اما در شرایطی خاص و با فعل های ویژه ای که معرفی خواهند شد. این فعل ها عبارتند از: افعالی که در آن ها حضور دو گروه اسمی ضروری است و سازه [با+گروه اسمی<sub>۲</sub>] یک سازه اختیاری نیست؛ درست بر خلاف مثال های انگلیسی (۱-۳) که در هر دو مورد سازه های مربوطه اختیاری بودند و وابسته های فعلی به حساب نمی آمدند. فعل های مورد بحث عبارتند

از: فعل‌های جمعی، ترکیبی، محمول‌های رابطه‌ای و قیاس همسانی. در این نوع ساخت‌های همراهی، تکواژ دستوری ((با)) می‌تواند نقش یک رابط یا پیوند دهنده داشته باشد. برای اثبات چنین ادعایی پس از پیشینه پژوهش، انواع ساخت‌های همراهی را با آزمون‌هایی معرفی و تحلیل می‌کنیم.

### ۳. سوابق و پیشینه پژوهش

در این بخش از مقاله مروری خواهیم داشت بر سوابق پژوهشی در زمینه همپایگی عطفی و معرفی حروف اضافه در زبان فارسی از نگاه دستور نویسان و زبان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی.

#### ۳-۱. دستورنویسان

-ناتل خانلری (۱۳۸۰: ۲۴۶-۲۵۲)؛ انوری و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۰: ۳۱۲-۳۱۳) این نوع جملات را پیوندی نامیده‌اند. از منظر آن‌ها جمله‌های مستقل در یک گفتار یا یک متن می‌توانند با هم پیوستگی داشته باشند. این پیوند به دو دسته تقسیم می‌شود: - پیوند معنوی - پیوند لفظی. در پیوند معنوی، دو یا چند جمله مستقل در پی یکدیگر قرار می‌گیرند و بی واسطه حرفی یا کلمه‌ای بهم می‌پیوندند (همان: ۲۴۸). در پیوند لفظی، دو یا چند جمله مستقل که فعل آن‌ها در شخص و زمان مشترک است با واسطه‌ی کلمه‌ای بهم می‌پیوندند. این کلمه را حرف ربط می‌نامند. جمله‌هایی که با حرف ربط پیوسته‌اند نسبت به یکدیگر یکی از روابط ذیل را دارا می‌باشد: مطابقت، تساوی، تناوب، مقابله و منافات، توالی، اثبات و نفی، مشارکت در نفی، بیان علت و بیان نتیجه. ((با)) نیز در زمره حروف اضافه طبقه بندی شده است.

دستور نویسان سنتی، صرفاً با نگاهی توصیفی به پدیده همپایگی پرداخته‌اند. در این توصیف‌ها ساخت درونی، ساختمان و مقوله دستوری مورد توجه بوده است. از این رو با درک دستاوردهای ارزشمند پیشین، با نگاهی نظریه-بنیاد، چنین

ساخت‌هایی مورد مطالعه قرار می‌گیرند تا با چالش‌های نظری و معنایی-کاربردی تبیینی جامع حاصل گردد.

### ۲-۳. زبان‌شناسان

- کلباسی (۱۳۷۶: ۱۳۷-۱۴۰) به بررسی برخی از گویش‌های مازندرانی و گیلکی پرداخته است. وی نیز در بررسی‌های خود صرفاً به توصیف این نوع ساخت‌ها پرداخته است. از این رو مطالعه وی نیز همگام و مشابه به دست‌نویسان سنتی بوده است.

- غلامعلی‌زاده (۱۳۸۶: ۱۳۹-۱۴۴)، ماهوتیان (۱۳۷۸: ۷۸-۸۶) و لازار (۱۳۹۳: ۲۴۷-۲۵۰) همپایگی را اینگونه تعریف می‌کنند؛ دو جمله مستقل با مقوله یکسان یا نقش دستوری مشابه با همان حروف ربطی بهم می‌پیوندند؛ حروف ربطی که میان دو واژه در یک جمله نیز می‌تواند ظاهر شود.

- فیاضی (۲۰۱۳: ۱۱۷) با رویکردی شناختی به بررسی همپایگی در زبان فارسی می‌پردازد. وی در بررسی خود به عوامل شناختی و تأثیر آن‌ها بر همپایگی اشاره دارد. همپایگی از این منظر چنین تعبیر شده است: سازه‌های پیوندی از یک مقوله مشترک و ساخت مشابهی برخوردار هستند. وی در پاسخ به دو پرسش اصلی: آیا سازه‌های همپایه مشروط به رعایت معیارهای معنایی خاصی هستند؟ آیا رابطه طرحواره‌ای یا مقوله‌ای بین سازه‌های همپایه وجود دارد؟ چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که ارتباط معنایی میان دو سازه همپایه وجود دارد. از سوی دیگر عوامل شناختی مانند اندازه، جاننداری، توالی زمانی، نشاننداری، تقابل، هم‌آیندی و ارتباط استعاری در همپایگی نقش ایفا می‌کنند. به بیان ساده‌تر عوامل شناختی بر همپایگی تأثیر دارند.

- شعبانی و دیگران (۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۵۶) به ساخت همپایگی با نگاهی به زبان فارسی می‌پردازد. وی با معرفی حروف ربط و انواع آن از منظر نحوی، رویکردهای چند هسته‌ای و حرف ربط همپایگی را مورد بحث قرار می‌دهد.

سپس به نارسایی انگاره مشخصگر- هسته-متمم اشاره می‌کند. از منظر ایشان، همپایگی در هر سطحی حتی پایین‌تر از واژه امکان پذیر است. در پایان با اتکا به فرایند ادغام خالص، چنین رویکردی را در تبیین داده‌های فارسی موثر می‌داند. بر اساس این رویکرد، همپایگی در هر سطحی میسر است.

- مختاری و حدائق رضایی (۱۳۹۲: ۷۳-۹۴) به بررسی شبکه معنایی حرف اضافه ((با)) در زبان فارسی پرداخته‌اند. از نظر آن‌ها ((با)) بعنوان یک حرف اضافه بسیار در زبان فارسی پرکاربرد است که می‌تواند نقش‌های دیگری از جمله ادات صفت و نقش وندی را نیز بپذیرد. پژوهش حاضر در چارچوب معنی‌شناسی واژگانی شناختی به بررسی مفاهیم ((با)) در نقش حرف اضافه پرداخته است. از منظر آن‌ها ((با)) بعنوان یک حرف اضافه دارای شبکه معنایی منسجمی است که در آن، مفاهیم گوناگون این حرف اضافه در قالب سه خوشه معنایی مختلف، شامل خوشه توافقی، تقابلی و وضعیتی. حول محور یک معنای سرنمونی که همان معنای مجاورت و همراهی است، در قالب ساختار شعاعی قرار گرفته‌اند. هدف از پژوهش آن‌ها این است که شبکه‌ای از معناهای متفاوت ((با)) ارائه داده و روش کار پیکره بنیاد بوده است. در روش پیکره‌ای که بر گرفته از فرهنگ سخن است. برخی از مفاهیم ((با)) درون معانی گنجانده نشده است در حالی که امروزه به کار می‌روند.

- لازار (۱۳۹۳: ۸۹) در معرفی و توصیف حروف اضافه، ((با)) را در دو نقش معیت و وسیله معرفی می‌نماید. وی در بررسی خود در مورد متمم‌های حرف اضافه را ((مفعول با واسطه)) می‌خواند زیرا رابطه مفعول با فعل با واسطه حرف اضافه برقرار می‌شود (همان: ۲۲۷). در بررسی وی ترکیب قیدهای حالت و ابزار و آلت همراه با حرف اضافه ((با)) و ((به)) به کار می‌روند. وی اسم‌های آلتی را که با حرف اضافه ((با)) به کار می‌روند اسم‌های ذات در نظر می‌گیرد. علاوه بر این نوع ساخت‌ها وی معتقد است که این حرف اضافه ((با)) به همراه قیدها نیز مشاهده می‌گردد.

- وسیله و آلت به انجام رساندن عمل، اغلب با حروف اضافه مرکب (با یا بدون حرف اضافه به) نیز بیان می‌شود:

۶- چندین تخته سنگ که با ساروج و گل محکم شده بودند (همان: ۲۳۴).  
نقش دیگری که برای حرف اضافه ((با)) در نظر می‌گیرد، همراهی و معیت یا اشتراک بوسیله حرف اضافه ((با)) نشان داده می‌شود:

۷- با زن و بچه به اروپا رفته است.

۸- با خودش گفت.

از نظر ایشان متممی که ((با)) بر سر آن آمده اغلب نه به فعل بلکه به یک اسم مربوط می‌شود.

۹- مرد مسنی با لباس فرسوده وارد شد.

گاه ((با)) در این متمم تقریباً معادل حرف ربط همپایگی ((و)) است.

۱۰- حسن با برادرش آمدند = [حسن و برادرش] (همان: ۲۳۶)

در این تحقیق، معیت با حرف اضافه مرکب < همراه ، بهمراهی > نیز نشان داده می‌شود.

لازار در مثال (۱۰) برای نشان دادن ((با)) به عنوان حرف عطفی ((و)) با وجود فاعل مفرد از مطابقت جمع در فعل استفاده کرده است. به لحاظ ملاحظات نحوی، چنین مطابقتی غیر قابل قبول است. فعل آمدن در مقام یک فعل لازم نیازی به سازه [با+گروه اسمی] یعنی برادرش ندارد. نگاه وی از منظر پژوهش حاضر متفاوت است. اما اینکه ایشان به برابری ((با)) و حرف عطفی ((و)) اذعان داشته بسیار ارزشمند است.

در تأیید مطابقت فعل جمع با فاعل مفرد بعنوان یکی از ویژگی‌های زبان فارسی، نمونه‌های دیگری در زیر مورد بحث قرار می‌گیرند. خشیشه کلی زبان فارسی، مطابقت فاعل مفرد را با فعل مفرد نشان می‌دهد و بالعکس. چنانچه فاعل، قابل شمارش باشد و تعداد آن جمع باشد با فعل جمع مطابقت می‌کند. مطابقت و نشانه آن بر روی فعل به صورت مفرد یا جمع ظاهر می‌گردد. بنابراین اگر فاعل،

جاندار و جمع باشد، فعل آن نیز باید جمع آورده شود (ناتل خانلری ۱۳۹۲: ۵۲). در زبان فارسی مطابقت میان فاعل و فعل وجود دارد. در این زبان سبک محترمانه-ای نیز به چشم می‌خورد که طبق آن، در همه موقعیت‌ها شمار فعل جمع است حتی زمانی که فاعل مفرد باشد برای نمونه:

۱۱- ایشان با خواهرشان تشریف آوردند.

۱۲- جنابعالی فرمودید.

در کاربرد مودبانه پس از اسمی که تنها به یک شخص اشاره دارد اغلب فعل جمع می‌آید (لازار ۱۳۹۳: ۲۱۳)

۱۳- آقا منزل نیستند.

گاه در این زبان فاعل یک اسم جمع است و فعل مفرد به کار می‌رود.

۱۴- پلیس آمد.

بی‌شک هر یک از مطالعات پیشین دستاورد ارزشمندی داشته است. با توجه به دستاوردهای هر یک از آن‌ها، همپایگی به حرف عطف ((و)) محدود شده است. بررسی‌های معنایی-کاربردی حاکی از آن است که از منظر رویکردهای معنایی/نقشی-کاربردی می‌توان به نوع دیگری از ((با)) اشاره نمود که در مطالعات پیشین مورد توجه نبوده است؛ ((با)) به عنوان یک پیوند/ربط دهنده. بنابراین ((با)) به عنوان یک حرف اضافه و یک پیوند دهنده مورد توجه است. پژوهش حاضر صرفاً به بررسی ((با)) در ساخت‌های همراهی در زبان فارسی به لحاظ نظریه‌های معنایی/نقشی-کاربردی بسنده می‌کند. چنین تحلیل نظریه-بنیادی در سوابق یافت نشد.

پس از ارایه کلی ویژگی‌های مطابقتی زبان فارسی، به تحلیل داده‌های این زبان در ساخت‌های همراهی در بخش بعدی می‌پردازیم تا به طبقه‌بندی و انواع ساخت-های همراهی در این زبان دست یابیم. نگارنده درصدد است با این بررسی انواع ساخت‌های همراهی را با زیر شاخه‌هایی که شامل می‌شوند، بطور جامع نشان دهد.

#### ۴. تحلیل داده‌های فارسی

در این بخش با ارزیابی ساخت‌های همراهی و ابزاری، ویژگی‌های این نوع ساخت‌ها تعیین می‌گردد. هدف اصلی از تحلیل داده‌ها این است که نشان دهیم ساخت‌های همراهی دو نوع هستند: نوع متقارن/دوسویه که در آن سازه‌های [گروه اسمی<sub>۱</sub>] و [با+گروه اسمی<sub>۲</sub>] وابسته‌های اصلی فعل هستند؛ بنابراین سازه [با+گروه اسمی<sub>۲</sub>] سازه اختیاری و افزوده نیست. در این گروه ((با)) نقش یک پیوند دهنده/ربط دهنده دارد. گروه دوم: نوع نامتقارن/یک سویه که در آن سازه [با+گروه اسمی<sub>۲</sub>] سازه ای اختیاری و افزوده است. در این گروه ((با)) نقش یک حرف اضافه دارد. در این نوع از ساخت‌های همراهی، یکسانی جاننداری و بی جانی ضرورتی ندارد. ساخت نامتقارن ابزاری و زیر طبقه‌های آن نیز در این دسته قرار دارند که به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند.

#### ۴-۱. ساخت همراهی متقارن

در این نوع ساخت‌ها، دو گروه اسمی وابسته‌های ضروری (فعل در جمله) هستند؛ به لحاظ جاننداری/بی جانی در سطح مشابهی قرار دارند. افعالی که این ساخت‌ها را تشکیل می‌دهند عبارتند از: افعال جمعی (فعل‌هایی هستند که حضور دو سازه در آنها ضروری است مانند مقایسه کردن، حمله بردن، رقابت کردن و از این قبیل)؛ محمول‌های رابطه‌ای (فعل‌های ربطی که در آن‌ها ارتباط میان دو سازه یا عنصر زبانی بازنمایی می‌شود مانند دوست بودن، مغایر بودن و مواردی مانند آن)؛ افعال ترکیبی (فعل‌هایی که در آن‌ها دو عنصر ترکیب و مخلوط می‌شوند) و قیاس همسانی (که در آن‌ها همسان بودن، هم اندازه بودن دو عنصر با فعل ربطی مشخص می‌شود مانند هم سن بودن، هم قد بودن و مانند آن). این دو گروه اسمی، هر دو در تحقق رویداد فعل شرکت دارند. با گذر از آزمون‌های زیر، می‌توان به این نتیجه رسید که در بیشتر حالت‌ها، ساخت همراهی با ساخت عطفی عملکرد یکسانی دارد و این خود شاهدی بر همانندی نقش حرف عطفی



((و)) و تکواژ دستوری ((با)) در این نوع ساخت ها است. ساخت های متقارن را در زبان فارسی با توجه به ملاحظات معنایی، نقشی و کاربردی مورد ارزیابی قرار می دهیم. فرضیه این است که در این نوع ساخت‌ها ی همراهی، همپایگی عطفی و همراهی مشابه هستند؛ یعنی ((با)) یک رابط و پیوند دهنده است.

#### ۴-۱-۱. آزمون جابجایی<sup>۱</sup>

در این آزمون چنانچه دو گروه اسمی از سطح یکسانی از ارزش برخوردار باشند، با جابجایی آن‌ها هیچ تغییری در مفهوم جمله پیش نخواهد آمد. برای مثال

۱۵- الف- علی با مینا هم قد است = علی و مینا هم قد هستند.

ب- مینا با علی هم قد است = مینا و علی هم قد هستند

۱۶- الف- علی نمک را با آب مخلوط کرد = علی نمک و آب را مخلوط کرد.

ب- علی آب را با نمک مخلوط کرد = علی آب و نمک را مخلوط کرد.

۱۷- الف- علی با حسن دوست است = علی و حسن دوست هستند.

ب- حسن با علی دوست است = حسن و علی دوست هستند.

شایان ذکر است که در این مرحله از تحلیل، ساخت اطلاع و موقعیت کلامی آن‌ها مد نظر نیست؛ زیرا قطعاً به لحاظ ساخت اطلاع و نحوه قرار گرفتن اطلاعات در جمله تفاوت‌های اساسی میان آن‌ها وجود دارد. در جمله (۱۵ الف و ب) که همسانی و قیاس همانندی (علی) و (مریم) را نشان می دهد، ساخت های همراهی به لحاظ معنایی به ساخت های عطفی دلالت دارند. در صورت جابجایی دو گروه اسمی، مفهوم بدون تغییر در هر دو باقی مانده است. در مثال (۱۶ الف و ب) که فعل ترکیبی در جمله حضور دارد مجدداً با جابجایی سازه ها مفهوم معنایی یکسان است. در این جمله نمک در مقام مفعول مستقیم و آب به عنوان مفعول غیر مستقیم هر دو تحت تأثیر کنش و عملکرد (علی) در جایگاه فاعل قرار گرفته اند. چنین نگاهی فارغ از بافت کلامی و ساخت اطلاع سازه ها است. در مثال (۱۷ الف و ب) نیز دوست بودن به عنوان محمول رابطه ای، ارتباطی را میان

<sup>۱</sup> Substitution

علی و حسن بطور دو سویه برقرار کرده است که با معادل های عطفی خود (علی و حسن/حسن و علی) مشابه ظاهر شده‌اند.

بنابراین در هر یک از مثال‌ها، جابجایی دو گروه اسمی در ساخت های همراهی همانند همپایگی عطفی، تغییری در روند تحقق رویداد ایجاد نکرده است و در همه آنها مشارکت هر دو سازه عامل تحقق رویداد فعل و نمود قیاس مشابه شده است.

۴-۱-۲- حذف سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>]

۱۸- مریم با مینا خواهر است. ← \* مریم خواهر است.

۱۹- مریم و مینا خواهر هستند. ← \* مریم خواهر هستند.

۲۰- مریم را با مینا مقایسه کرد. ← \* مریم را مقایسه کرد. (فارغ از

یافت کلامی)

جمله‌های (۱۸-۲۰) نشان می‌دهند که سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] به لحاظ معنایی و ساختی نیاز به تکمیل معنا و ساخت نحوی دارند که مورد قبول قرار گیرند. سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] یک افزوده نیست و به گروه پیوندی (با حرف عطف) شباهت دارد.

۴-۱-۳- وحدت نقش معنایی [گروه اسمی<sub>۱</sub>] و [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>]

۲۱- علی با حسن او را کشتند = علی و حسن او را کشتند.

۲۲- علی با حسن کشته شد = علی و حسن کشته شدند.

۲۳- طلا با نقره به راحتی ترکیب شدند = طلا و نقره به راحتی ترکیب شدند.

همانطور که مثال‌های (۲۱-۲۳) نشان می‌دهند در جمله (۲۱) علی و حسن هر دو عامل و کنشگر در اجرای رویداد فعل هستند. علی و حسن هر دو یا علی به همراه حسن سبب کشته شدن شخصی شده‌اند. در مثال (۲۲) علی و حسن هر دو تحت تأثیر انجام کنش قرار گرفته‌اند و همینطور در مثال (۲۳) نیز دو گروه اسمی غیر جاندار طلا به همراه نقره (طلا و نقره) تحت تأثیر رویداد و عمل ترکیب قرار گرفته‌اند. بنابراین این مثال‌ها حکایت از شباهت میان ساخت‌های

همراهی و عطفی دارد. در هریک از آن‌ها، هر دو مصداق به رویدادی واحد دلالت دارند. این امر نشان دهنده شباهت میان همپایگی عطفی و همراهی متقارن است.

#### ۴-۱-۴. حذف گروه فعلی<sup>۱</sup> / فعل

در ساخت‌های همراهی متقارن فرض بر این است که سازه‌های [گروه اسمی<sub>۱</sub>] و [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] هر دو وابسته‌های ضروری در رویداد فعل هستند. بنابراین در تحلیل‌های نحوی افزوده به حساب نمی‌آیند. با قبول چنین فرضی (افزوده نبودن)، ابقاء آن‌ها در انتهای جمله و پس از حذف مجاز نیست و سبب غیر دستوری شدن جمله می‌شود.

۲۴- الف- علی تکالیف خود را روز دو شنبه نوشت و مریم (هم) روز پنج شنبه. (ابقاء افزوده)

ب- \* علی کتاب را روز دوشنبه آورد و مریم (هم) مجله رُ.  
\* ابقاء وابسته فعلی)

۲۵- الف- \* علی بیتا و مریم را باهم مقایسه کرد و حسن و مینا.

ب- \*؟؟/ علی بیتا را با مریم مقایسه کرد و حسن با مینا.

ابقاء ساخت‌های همپایه عطفی و همراهی متقارن منجر به غیر دستوری شدن و غیر قابل قبول بودن آن‌ها شده است (مثال ۲۴ ب و ۲۵ الف و ب). اما ابقاء سازه افزوده مشکل ساز نیست (مثال ۲۴ الف). چنین آزمونی نشان می‌دهد که در این نوع از ساخت‌های همراهی سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] یک افزوده نیست. صورت صحیح جمله (۲۵ ب) بر اساس شم زبانی گویندگان فارسی زبان می‌توان > علی بیتا را با مریم مقایسه کرد و حسن او را با مینا <.

۴-۱-۵- اختیاری بودن سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>]

<sup>۱</sup> VP ellipsis

<sup>۲</sup> ابقاء چنین گروه‌هایی در بافت کلامی برای هر دو ساخت امکان پذیر است. (۱ الف: علی بیتا را با مریم مقایسه کرد.

ب: حسن هم با مینا.

فرض بر این است که در گروه همراهی متقارن، سازه [با+ گروه اسمی]<sub>۲</sub> یک سازه اختیاری نیست. مانند مثال های زیر:

۲۶- الف- علی با حسن برادر است.

ب- \* علی برادر است.

۲۷- الف- علی با حسین غذا پخت.

ب- علی غذا پخت.

۲۸- الف- علی مینا را با برادرش مقایسه کرد.

ب- \*؟؟/ علی مینا را مقایسه کرد.

حذف سازه [با+ گروه اسمی]<sub>۲</sub> در مثال های ( ۲۶ ب و ۲۸ ب) نشان می دهد که در بعضی از موقعیت های ساختی، این سازه ضروری مانند (۲۶ الف و ۲۸ الف) و در جمله (۲۷ الف و ب) اختیاری است. بنابراین با توجه به نوع فعل، ضروری بودن آن سازه در تحقق رویداد فعل حاکی از آن است که آن سازه یک افزوده نیست. در حالی که در شکل اختیاری بودن، یک افزوده است و در تحقق رویداد فعلی نقشی ایفا نمی کند.

۴-۱-۶- جایگزینی ضمیر

۲۹- الف- علی با حسین برادر است.

ب- آن ها برادر هستند.

پ- \* او برادر است.

۳۰- الف- طلا و نقره به راحتی ترکیب شدند.

ب- آن ها به راحتی ترکیب شدند.

مثال های (۲۹-۳۰) نشان می دهند که در ساخت های همراهی متقارن (دوسویه)، مفهوم جمع درون آن ها وجود دارد. این رابطه و همراهی دو سویه است برای مثال برادر بودن، دوست بودن و ترکیب شدن دو شیء، رویدادی دو سویه هستند که می تواند مفهوم جمع را به ذهن برساند. بنابراین جایگزینی ضمیر جمع به جای هر دو سازه وابسته در مقایسه با ضمیر مفرد قابل قبول است.

۴-۱-۷- مرجع‌گزینی<sup>۱</sup>

۳۱- الف- مادر، پدرش خودشان را در آینه دیدند.

ب- تیم الف با تیم ب در زمین‌های خودشان به رقابت پرداختند.

پ- علی با مریم هردو هم قد همدیگه هستند.

بر مبنای نظریه نحوی مرجع‌گزینی، ضمیر انعکاسی و ضمایردو سویه باید در کوچکترین مقوله حاکم خود به قید مرجعی درآیند. قضاوت بر روی این جمله‌ها بویژه (۳۱پ) بین فارسی‌زبانان، ابهام بسیاری پیش روی نگارنده قرار داد. قضاوت گویندگان فارسی‌زبان بر دستوری و غیر دستوری بودن آن متفاوت بود. دلیل این امر تفاوت میان فارسی رسمی و محاوره‌ای است. برخی با استناد بر شم‌زبانی و با توجه به بافت کلامی جمله (۳۱پ) را دستوری و قابل قبول تشخیص دادند؛ در حالی که برخی بر اساس اصول نگارشی و صورت رسمی دستور زبان فارسی تولید سازه‌های علی و مریم را با تکواژدستوری ((با)) عجیب و غیر قابل قبول دانستند. لیکن با توجه به غالب بودن تعداد قضاوت‌ها بر صحت جمله (۳۱پ)، نگارنده آن را دستوری در نظر گرفته است.

با توجه به هر یک از مثال‌ها، ضمیر جمع ((خودشان)) به سازه‌های (مادر، پدرش)، (تیم الف با تیم ب) و (علی با مریم) ارجاع داشته است. با ارجاع ضمیر به سازه‌های اسمی با مفهوم جمع و مطابقت<sup>۲</sup> آن‌ها با فعل، مشابه با ساخت‌های عطفی می‌باشد.

۴-۱-۸- تعیین سازه/ سازه بودن<sup>۳</sup>

در تحلیل‌های نحوی صرفاً سازه‌ها می‌توانند با حرف ربط به یکدیگر مرتبط گردند.

<sup>۱</sup> Binding

<sup>۲</sup> در زبان فارسی محترمانه نیز در صورت مفرد یا جمع بودن فاعل، فعل جمع است. بنابراین مطابقت در حالت محترمانه در ساخت‌های همراهی نیز با مفهوم و فعل جمع همراه است. - علی با برادرش آمدند. - آقا منزل نیستند. - آقا با / و همسرشان به سفر رفتند.

<sup>۳</sup> Constituency

۳۲- (علی با مریم) و (حسن با حسین) به میهمانی رفتند.

۴-۱-۹- تکیه کانونی / پرسش و کانونی سازی

یکی از آزمون‌هایی که می‌تواند عملکرد سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] را به عنوان یک وابسته نشان دهد، کانونی کردن آن است که از دو روش انجام می‌گیرد: - پرسش<sup>۱</sup> - اسناد سازی<sup>۲</sup>.

۳۳- الف- مینا با مریم خواهر است/هستند.

ب- مینا بود که با مریم خواهر است.

پ- \* با مریم بود که مینا خواهر است.

۳۴- الف- عمر با جمعی به خانه‌اش حمله بردند. (شریعتی ۱۳۷۹: ۹)

ب- عمر بود که با جمعی به خانه‌اش حمله بردند.

پ- \* با جمعی بود که عمر به خانه‌اش حمله بردند.

ت- \* با کی عمر به خانه‌اش حمله بردند<sup>۳</sup>؟

با توجه به مثال‌های (۳۳ و ۳۴) می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که دو سازه [گروه اسمی<sub>۱</sub>] و [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] به لحاظ ساخت اطلاعی نیز مشابه نیستند. سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] در ساخت‌های متقارن (غیر افزوده) نمی‌تواند کانونی باشد. کانونی بودن به معنای حاوی اطلاعات نو است. بنابراین با توجه به مثال‌ها (۳۳ و ۳۴ پ،ت) سازه [با+ گروه اسمی<sub>۲</sub>] حاوی اطلاع پیش فرض و پس زمینه<sup>۴</sup> است.

بررسی ساخت‌های همراهی، شباهت‌های بسیاری را با ساخت‌های همپایه عاطفی نشان می‌دهد. پس از نمایش شباهت‌های بسیار میان این دو ساخت، یکی از نکته‌هایی که آن‌ها را از یکدیگر متمایز میکند کاربرد قید (( جداگانه )) است که در مقابل قید (( با هم / با همدیگر )) قرار دارد.

<sup>1</sup> Wh-extraction

<sup>2</sup> Clefting

<sup>۳</sup> در مفهوم جمع امکان پرسش و خروج سازه نیست.

<sup>4</sup> Background